

بررسی رابطه سبک های تفکر معلم با عملکرد تحصیلی دانش آموزان به عنوان شاخص
بهره‌وری کلاس درس

شبیم راشدی دانشجوی ارشد، رشته کلام اسلامی، دانشگاه تبریز
مصطفی رخشانی مهر دانشجوی ارشد رشته مدیریت کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان
چکیده

توسعه پایدار نظام آموزش و پرورش به عنوان ارزشمندترین نهاد جامعه در تمام جوامع از جایگاه ویژه ای برخوردار است. تعلیم و تربیت، تمام زندگی است و حمایت از دانش و دانشمند، حمایت از فرهنگ و ادب و احترام است. جامعه عاری از دانش و فرهنگ، چنان جسم بی روحی است که تار و پودش متلاشی می شود و طعمه بی هویتی و بحران هویت و هرج و مرج می گردد. تحکیم پایه های فضایل اخلاقی و تقویت شایستگی های اعتقادی و دینی، مدیریت هدفمند و برنامه ریزی کارشناسانه می طلبد. لذا تبیین جایگاه تعلیم و تربیت رسمی در تولید سرمایه اجتماعی و نیروی کارآمد انسانی نقش مهمی در ارتقای سطح ادراک و فرهنگ نسل ها دارد و نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و بهره وری جمعیت دانش آموزی، وجود معلمان توانمند و تحول آفرین و کارآمدی است که سکان دار تحقیق و پژوهش باشند تا اهداف پربار نظام را پوشش دهند تا خروجی این سازمان حساس، تربیت انسان های مؤمن، خداجو، وطن دوست، خودباور قانون مدار و آماده ورود به زندگی شایسته و با نشاط بر اساس معیارهای دین و فرهنگ و جامعه باشد که در چرخه آموزش، آینده پژوهشی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی کشور بهبود و تکامل یابد چرا که خصوصیات شناختی افراد در عملکرد آموزشی آن ها دخالت مستقیم دارد. تا جایی که عملکرد دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین در حیطه آموزشی برای مشخص ساختن مناسب ترین روش های آموزش و تدریس، باید به توانایی های شناختی معلمان و دانش آموزان توجه شود.

کلید واژه ها: تعلیم و تربیت، معلم، دانش آموز، فرهنگ، اعتقادات، عملکرد تحصیلی

مقدمه

آموزش و پرورش اساسی ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی در هر کشوری است. این سازمان فراگیر زیربنای فرهنگ و هویت اقوام و ملل است و کارهای بزرگ و مسؤلیت های خطیری برعهده دارد. جایگاه والای علم و علما در دیدگاه اسلام موجب ارزشمندی دانش و معرفت نزد مسلمانان شده است.

تحقق ارزش های متعالی اسلام و آرمان های والای انقلاب از توجه ویژه به این نهاد میسر است. تعلیم و تربیت آگاهانه و همسو با اهداف دین از بنیادی ترین زیرساخت های اعتلای فرهنگ و حصول کرامت های انسانی و ارزش های دینی است. توجه به آداب معلمی در فرهنگ پر بار کشور ما از دیرباز حائز اهمیت بوده است چرا که نظام تعلیم و تربیت تجلی بخش فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی است که نسلی آگاه، توانمند، مسؤلیت پذیر، امانتدار، کارآمد و کارآفرین، متعهد و ... بار می آورد و نیروی انسانی مهذب و مثخلق به فضیلت های اخلاقی و کرامت های انسانی به تعمیق فرهنگ اسلامی و آموزه های دینی در میان دانش پژوهان منجر می شود و معرفت الهی و بصیرت دینی نوآموزان کشور را ارتقا داده و تعامل اثربخش و تقویت و نهادینه شدن ارزش های متعالی در خانواده ها و جامعه را در پی خواهد داشت.

اهتمام به تعلیم و تربیت صحیح و تأمین نیروی انسانی باورمند و شایسته، زیربنای راستین اصلاح گری و تعمیق معیارهای اسلامی در جامعه و تقویت بُعد اعتقادی متعلمان است. توانمندسازی معلمان و تحکیم نقش الگویی آنان تحوّل بنیادین در تعاملات افراد و رفتار اجتماعی آنان ایجاد می کند که در دراز مدت به تهذیب نسل ها و اعتلای فرهنگ و ارتقای بینش و آگاهی مردم می انجامد و بستر ساز تربیت انسان های مومن و متعهد و نوع دوست و دین مدار می گردد.

سبک های تفکر معلمان و تأثیر آن بر عملکرد یادگیری دانش آموزان به عنوان شاخص بهره‌وری کلاس درس، از عناصر مهمی است که باید مورد بررسی قرار گیرد قاعده اصلی این است که سبک‌های تفکر معلم به عنوان خصوصیات شناختی آنان، هم عملکرد آموزشی خود آنها و هم عملکرد تحصیلی دانش آموزان را به عنوان تابعی از عملکرد شناختی آنان تحت تأثیر قرار می دهد.

ساموئل مسیک (1984) مطرح می کند که خصوصیات شناختی افراد در عملکرد آموزشی آنها دخالت مستقیم دارد. میزان این دخالت به حدی است که به طور غیر مستقیم عملکرد دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین در حیطه آموزشی برای مشخص ساختن مناسب ترین روش

های آموزش و تدریس ، باید به توانایی‌ها و کنترل کننده های شناختی معلم ها و دانش آموزان توجه کرد.

برای افراد دارای نیاز به شناخت پایین با توجه به قابل آموزش بودن نیاز به شناخت، با ایجاد بافت مناسب، میتوان شرایط درگیر شدن آنها را در فرایندهای شناختی پر تلاش فراهم کرد (ایوانس و کیری و فابریگارد، 2003). معلمی که از نیاز به شناخت بالایی برخوردار است، این فرهنگ تفکر را به خوبی در کلاس اعمال و تلاش میکند تا نیاز به شناخت دانشآموزان را بسنجد، محیطی غنی برای تفکر ایجاد کند و از این راه نیاز به فعالیتهای فکری دانشآموزان با شناخت بالا را افزایش دهد و با به چالش گرفتن یادگیرندگان دارای نیاز به شناخت پایین، آنها را به متفکرانی انتقادی تبدیل کند (فیوچت، 2010).

این افراد از درگیر شدن در فعالیتهای و تکالیف چالش برانگیز لذت میبرند، ادراکشان را براساس تلاش شخصی و اطلاعات دست اول بنا می کنند و درگیر فرایندهای فراشناختی و راهبردهای شناختی عمیق میشوند، درحالیکه افراد دارای نیاز به شناخت پایین به احتمال بیشتری جهان اطرافشان را با اطلاعات دست دوم تجربه میکنند، بهاین معنا که برای تصمیمگیری و اظهارنظر بیشتر بر دیگران، مکاشفه‌های شناختی یا فرایندهای مقایسه اجتماعی تکیه میکنند و گرایش بهاجتناب از تکلیف دارند (پتی، برینول، لورچ و مککاسلین، 2009).

به زعم مسیک معلم ها و دانش آموزان از نظر گستردگی توجه و در نتیجه وسعت و صراحت آگاهی اطلاعات با یکدیگر تفاوت دارند . وهمین طور نوع ادراک آن ها نیز ممکن است کلی یا تحلیلی باشد¹ و توانایی جداکردن مواد و مطالب از زمینه مطالب را داشته باشند یا صرفاً با توجه به متن و زمینه موجود عمل کنند. بعضی از افراد ممکن است از نظر شناختی پیچیده و به نحوی چند بعدی بیندیشند یا با توجه به وجوه تمایز مطالب مورد نظر ، با مسائل برخورد کنند (کلی² ، 1955) . بعضی از افراد در تفکر ویادگیری انعطاف پذیر و بعضی انعطاف ناپذیرند. عده ای از معلم ها و دانش آموزان از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند و سعی می کنند با بررسی تمام جوانب به جواب درست برسند ، اما عده ای دیگر ، پاسخ دادن سریع را انتخاب می کنند . برخی از آن ها از درون برانگیخته می شوند و عده دیگر، نیازمند پاداش های بیرونی اند.

در این پژوهش، با این پیش فرض (اندیشه مسیک) ، تلاش شده است تا سبک های تفکر معلم های مورد مطالعه مشخص شده، تأثیر آن بر عملکرد یادگیری دانش آموزان به عنوان شاخص

¹ - Messik

² - Kelly

بهره‌وری کلاس درس، مورد بررسی قرار گیرد. قاعده اصلی این است که سبک‌های تفکر معلم به عنوان خصوصیات شناختی آنان، عملکرد آموزشی خود آن‌ها را به طور مستقیم و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را به عنوان تابعی از عملکرد شناختی آنان به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مسیک (1976)، نحوه دریافت، نگهداری آموخته‌ها، تفکر و حل مسئله فراده و فراگیر را سبک شناختی آنان می‌نامد. در بررسی‌های مسیک، سبک‌های شناختی به سه دسته تاملی در برابر تکانشی، ساده در مقابل پیچیده و وابسته به زمینه در مقابل نا وابسته به زمینه تقسیم شده است. در سبک تاملی فرد در جستجوی پاسخ صحیح است، نه جواب فوری به مسئله یا سؤال؛ متقابلاً در سبک تکانشی فرد سریع‌تر جواب داده، مرتکب اشتباه بیشتری می‌شود، در سبک تاملی فرد برای پرهیز از اشتباهات، راه حل‌های مختلفی را می‌آزماید تا به پاسخ درست برسد (گولو¹، 1988). در سبک تکانشی افراد مضطرب‌تر از تاملی هستند (جاناسن²، 1933). فراده و فراگیر تاملی اشتباهات خود را به حداقل می‌رساند و برای پرهیز از هرگونه اشتباه، راه حل‌های مختلفی را می‌آزماید تا به پاسخ درست برسد (گولو، 1988) از طرف دیگر فراده و فراگیر تکانشی از حداقل راه حل‌ها استفاده می‌کند (جاناسن 1993). ویژگی‌های سبک‌های شناختی تاملی و تکانشی را می‌توان در جدول شماره 1 مطالعه نمود.

¹ - Gulo

² - Janassen

جدول شماره ی 1: تفاوت‌های یادگیرندگان تاملی و تکانشی منبع جاناسن ،، 1993

تکانشی	تاملی
پرجنب و جوش	تاملی
مضطرب	فکور
حرکتی	کلامی
کلی	تحلیلی
پراکنده	متمرکز
تحریک پذیر	آرام
ناموفق در تحصیل	موفق در تحصیل
حساس به پاداش	بی توجه به پاداش
متأثر از آینده	متأثر از زمان حال

سبک شناختی ساده، دارای ساخت‌های شناختی کمی است و در تحلیل رفتارهای اجتماعی از متغییر های موردی استفاده می کند (بیری¹ 1966). بیری ، پیچیدگی شناختی را باتوجه به امکان تجزیه نظام شناختی می سنجد . هر نظام شناختی پیچیده ، ساخت های شناختی زیادی را در بر می گیرد وموجب تمایز در ادراک پدیده ها می شود : نظام شناختی ساده، دارای ساخت های شناختی کمی بوده، در تحلیل رفتارهای اجتماعی از متغییر های متمایز کننده معدودی استفاده می کند. فاکتورهای مشخص کننده پیچیدگی شناختی، به ویژه در تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا بخش عمده تعلیم و تربیت به ایجاد وگسترش نظام شناختی پیچیده وقابل انعطاف مربوط است . (جدول 2)

¹ - beiri

جدول شماره‌ی 2: تفاوت‌های موجود بین سبک‌های ساده و پیچیده شناختی

سبک پیچیده	سبک ساده
یک بعدی	چند بعدی
غیر دقیق	دقیق
همگرا	واگرا
واقعیت مدار	مفهوم مدار
عینی	انتزاعی
حسی	شهودی
گمانه‌ای	ادراکی
علاقمند به واقعیات	علاقمند به مفاهیم
انعطاف ناپذیر	انعطاف پذیر
مطلق‌گرا	نسبی‌گرا
خام	آزموده

منبع جاناسن ، 1993.

تبیین دیگری از سبک‌های شناختی توسط ویتکین¹ (1962) با عنوان مستقل از زمینه و وابسته به زمینه صورت گرفته است یادگیرنده دارای سبک شناختی وابسته به زمینه، به محرک‌های بیرونی وابسته بوده، ساختار موجود در درک یک موضوع را می‌پذیرد و به راهنمایی و هدایت دیگران نیازمند است و نسبت به پاداش‌های بیرونی حساسیت نشان می‌دهد. متقابلاً یادگیرنده مستقل از زمینه، به طور فعال و خلاق، ساختار خاص خود را خلق می‌کند و در یادگیری‌های خود به هدایت کمتری نیاز دارد (جدول 3).

جدول شماره‌ی 3: ویژگی‌های افراد وابسته و مستقل از زمینه (جاناسن، 1993)

¹ - Watkin

وابسته به زمینه	مستقل از زمینه
کل گرا	جزء گرا
پذیرنده ساختار	آفریننده ساختار
کنترل بیرونی	کنترل درونی
اجتماعی	کناره گیر
گروه گرا	فاصله گیر
فرضیه پذیر	فرضیه ساز
واقع گرا	انتزاع گرا
متأثر از ساختار	مستقل از ساختار
برون گر	درون گرا
حساس به دیگران	بی تفاوت نسبت به دیگران

در این پژوهش ، با این پیش فرض (اندیشه مسیک)، تلاش شده است تا سبک های تفکر معلم ها مورد مطالعه مشخص شده و تأثیر آن بر عملکرد یاگیری دانش آموزان به عنوان شاخص بهره وری کلاس درس ، مورد بررسی قرار می گیرد .

مواد و روش شناسی

در این پژوهش ابتدا ویژگی های مطرح شده برای سه نوع سبک تفکر (سبک تاملی در مقابل سبک تکانشی ،سبک ساده در مقابل سبک پیچیده وسبک وابسته به زمینه در مقابل سبک مستقل از زمینه) به پرسش نامه تبدیل شدند و پرسشنامه ای دارای 9ویژگی برای سبک تاملی در مقابل تکانشی بوجود آمده که به سبک مقیاس درجه بندی لیکرت دوعده ای از -4 تا +4 نمره گذاری می شوند و در نهایت نمره نهایی منفی بیانگر سبک تکانشی و نمره نهایی مثبت بیانگر سبک تاملی است. بزرگی نمره معرف درونی بودن بیشتر شناختی مربوط است.پرسش نامه دوم به سبک شناختی ساده و سبک شناختی پیچیده مربوط است . در این پرسشنامه 11 ویژگی تبدیل به سؤال شدند و نمره گذاری آن به صورت پرسش نامه قبلی است .

پرسش نامه سوم به سبک شناختی وابسته به زمینه ومستقل از زمینه مربوط است . در این پرسشنامه 10 ویژگی تبدیل به سؤال شدند و نمره گذاری آن همانند دو پرسش نامه قبلی است .

روایی هر سه پرسشنامه توسط 5 استاد متخصص در روانشناسی مورد تایید قرار گرفت. سپس از معلم‌های شرکت کننده هم رشته در کارگاه آموزشی مهارت‌های تفکر خلاق، 50 نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. پس از آشنایی و تبیین مختصر هر سه پرسشنامه توسط آن‌ها تکمیل گردید. از این معلم‌ها میانگین نیم‌سال اول عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان آن‌ها در درس مربوطه گرفته شد.

پس از مشخص شدن وضعیت معلمان مورد مطالعه در سبک‌های شناختی، کلاس دانش‌آموزان آن‌ها در دروس تدریس شده توسط آن‌ها، استخراج شده و داده‌ها با آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفت. یافته‌ها و نتایج

- 1- عملکرد دانش‌آموزانی که معلم‌ها آن‌ها دارای سبک تفکر تأملی است بهتر از عملکرد دانش‌آموزانی است که معلم آن‌ها دارای سبک تکانشی است و تفاوت در سطح $0/01$ معنادار است.
- 2- عملکرد دانش‌آموزانی که معلم آن‌ها دارای سبک شناختی پیچیده است بهتر از دانش‌آموزانی که معلم آن‌ها دارای سبک شناختی ساده است. تفاوت در سطح $0/05$ معنادار است.
- 3- عملکرد دانش‌آموزانی که معلم آن‌ها دارای سبک شناختی مستقل از زمینه است بهتر از عملکرد دانش‌آموزانی است که معلم آن‌ها دارای سبک شناختی وابسته به زمینه است تفاوت در سطح $0/05$ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

در رابطه با فرضیه‌ای که عملکرد دانش‌آموزان دارای معلمی با سبک تفکر تأملی را با عملکرد دانش‌آموزان دارای سبک تفکر تکانشی، قیاس کرد به این یافته رسید که معلم‌های دارای سبک تفکر تأملی از معلم‌های دارای سبک تفکر تکانشی، توانایی بالاتری برای تحلیل مطالب درسی دارند و به طور مستقیم و غیر مستقیم این توانایی را به دانش‌آموزان خود نیز منتقل می‌کنند. (مسیک 1984) دانش‌آموزان معلم‌های دارای سبک تأملی دقیق‌تر از دیگران به سؤالات جواب داده، معمولاً پاسخ‌های ممکن را ارزیابی می‌کنند تا به جای جواب دادن فوری، به پاسخ صحیح برسند و به همین دلیل کمتر اشتباه می‌کنند (کدیور، 1382). اضطراب آن کمتر بوده، اعتماد به نفس بیشتری دارند (گولو، 1988) بر اساس فرضیه دوم که در سطح 95 درصد اطمینان مورد تایید قرار گرفت دانش‌آموزان معلمان دارای سبک شناختی پیچیده، موفق‌تر از دانش‌آموزان معلمان دارای سبک شناختی ساده عمل می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کاگان و همکاران (1964)، (کاگان، 1988)، گولو (1988) کراکت و هایدن (1982)، کراس (1988) ویتکین

(1962) همخوان است (جاناسن ، 1993). این معلم ها استقلال بیشتری به دانش آموزان خود می دهند. والدین دارای سبک شناختی پیچیده همانند این معلم ها به کودکان خود استقلال بیشتری می دهند(کراس⁷، 1988).

مطابق فرضیه سوم که در سطح اطمینان 0/95 تایید شد دانش آموزان دارای معلم های سبک شناختی مستقل از زمینه بدتر از دانش آموزان معلم های دارای سبک شناختی وابسته به زمینه عمل می کنند. این دانش آموزان براساس راهنمایی های خود مستقل از محرک های بیرونی عمل کرده، ساختار موجود در درک موضوعات درسی را نمی پذیرند و خیلی به راهنمایی و هدایت معلم نیازمند نیستند؛ بلکه به نحوی خلاق و فعال ساختار خاص خود را خلق می کنند و در یادگیری های خود به نقش خودشان بیشتر بها می دهند (کراس، 1988 و جاناسن، 1993). نهایتاً این که، سبک شناختی معلم ها، اثر بخشی بسیار بالایی در سبک شناختی و در نتیجه عملکرد دانش آموزان آن ها دارد؛ و به همین دلیل دانش آموزان معلم های دارای سبک شناختی تاملی، پیچیده و مستقل از زمینه، از دانش آموزان معلم های دارای سبک شناختی تکانشی، ساده و وابسته به زمینه بهتر عمل کرده و موفق ترند.

پیشنهادها

1- در گزینش و استخدام معلم، سبک های شناختی او سنجیده شود. پیشنهاد می شود که داوطلبان دارای سبک شناختی تاملی، پیچیده و مستقل از زمینه در اولویت استخدام قرار می گیرند.

2- لازم است در هر فرصت ممکن، سبک های شناختی و تاثیر آن ها بر دانش آموزان، در قالب کارگاه های آموزشی تعلیم و الگوهای موفق معلمان نمایش داده شود.

3- پیشنهاد می شود که در فرصت های ممکن و به روش های مناسب سبک های شناختی معلم ها و دانش آموزان موفق به سایر معلمان و دانش آموزان معرفی می شود تا با روش های کاربردی یادگیری و تجربه های موفق افراد آشنا شده و با جایگزین سازی آن ها سبک های شناختی منجر به موفقیت را بیاموزند.

4- استعداد و علایق دانش آموزان به دقت ارزیابی شده و ملاک تعیین رشته قرار گیرد و در فرایند آموزش اولویت های شغلی و بازار کار ، نیازسنجی شود تا دانش آموختگان به صورت کاربردی از تخصص خود در راستای تحقق اهداف جامعه بهره مند شوند .

منابع و مآخذ

کدیور، پروین (1382) - روانشناسی تربیتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها .

1-Beri,j.(1955) . Cognitve – complexity – simplicity and predictive behavior, Journal of Abnormal and social psychology, NO.51

2-Cross, T.J. (1988). The impact of classroom evaluation practices on students, Review of Educational Research NO.5

3-Janassen, D.H. (1993). Handbook of Individual Differences Learning and Instruction Hillsdale, N.J.E tbaum

4-Messik, s.(1993). The Inter play of Evidence and consequences in the validation of performants Assessment, Educational Researcher, NO, 23

5-Evans, C. J., Kirby, J. R., & Fibiger, L. R. (2003). Approaches to learning, need for cognition, and strategic flexibility among university students. British Journal of Educational Psychology, 73(4): 507-528.

6-Petty, R. E., Bri?ol, P., Loersch, C., & McCaslin, M. J. (2009). The need for Cognition. In M. R. Leary & R. H. Hoyle (Eds.), Handbook of individual Differences in social behavior (pp. 318-329). New York: Guilford Pres